

وظائف اخلاقی و کلاء بمناسبت استقلال کانون

استقلال کانون و کلا

استقلال کانون که پس از سالهای نمادی نصیب و کلاء دادگستری ایران خواهد شد و آنرا با سایر کشورهای که دو کنگره های بزرگ ملی شرکت دارند از این جهت هم آهنگ خواهد نمود. اگر تاریخ وکالت و سایر تکامل آن مراجعه شود مشهود میگردد که این موهبت در نتیجه رشد فکری و اخلاقی وکالت جهان حاصل گردیده است و این استقلال جزء لاینفک شغل وکالت میباشد و از اوصاف برجسته این حرفه محسوب خواهد شد و امروز و کلا و کانونهای عالم برای این امتیاز اهمیت بزرگی را قائلند و کلاء و کانونها در قسمت انجام وظائف و اعمال خود بسایه دارای استقلال کامل بوده و جز احرام قوانین و انتظامات عمومی و اصول مذهبی و اخلاقی هدف دیگری نداشته و هیچ امری نباید مانع رسیدن آزادی فکری و عمل آنان واقع شود و از هر گونه اطاعت کورکورانه و انقیادی دوری جویند زیرا نه این استقلال برای موکلین آنان بهترین تضمینی است که در سایه آن بهیچوجه وحشت و رعبی در انجام وظیفه قانونی و وجدانی برای وکیل پیدا نمیشود و منافع شخص وکیل و موکلین او دچار خطر هوی و هوس و خود مغفاری دیگران واقع نخواهد شد.

استقلال کانون نمره اش برای حمایت از استقلال وکیل و حفظ منافع اصحاب دهری است که در نتیجه تدوین آیین نامه های داخلی هر کانونی را در اداره خود آزاد نموده و وظائف خود را در سایه صرف اموال و عمل اعضای خود انجام میدهد و همچنین بین کانونهای جهان اصول تعاون و همکاری برقرار است که در سایه این همکاری بتوانند منافع عمومی و حتی حقوق بشر را از هر حیرت و هر جهت نامین و تضمین نمایند.

این آزادی عمل و استقلال برای وکیل از نظر حفظ منافع مشروع موکل خود متضمن مصونیتهایی است که بهیچوجه نمیتوانند در قبال اعتراض بهملیات خلاف قانون دادستان و دادستانها و باز پرسها و سایر افراد وابسته به دادگستری و یا سایر سازمانهای اداری کشور بهیچ عنوان از قبیل توهین و افتراء آنها در مقابل تقریرات و تحریراتشان از نظر انجام وظیفه تعقیب نمود و با کمال آزادی و شهامت که نمره این استقلال میباشد هر وکیلی میتواند به تجاوزات هر مأمور دولتی اعم از وزیر و غیره و یا هر یک از اعضاء قضائی قانوناً اعتراض نماید و از عملیات خلاف قانون آنان مراجع صالحه شکایت کند و بهیچوجه نمیتوان معترض نطق و نوشتجات وکیل شده و از این حیث دارای مصونیت کامل و استقلال بوده تا در سایه این دو امتیاز بتوانند حقوق موکلین و افراد جامعه را حفظ و نامین نمایند. استقلال و مصونیت افراد کشور در دفاع از حقوق حقه و مشروع آنان است و هم تضمینی که باین حقوق وارد شود لغوه است که به حقوق افراد کشور وارد خواهد آمد.

استقلال کانون در حکم دژ مستحکمی است که در مقابل خشم و تجاوزات سایر قوا (از نظر تعدی به حقوق افراد) عیتوان از هر تجاوزی دفاع نمود.

هو چیز در عالم وجود دارد که تپای جان باید برای حصول آن مقاومت و پافشاری نمود عدالت آزادی و استقلال کانون نغمه جان این آرمان بزرگ که در نهاد فلوب کلیه افراد بشر است .

استقلال حق مقدس برای وکیل و برای افراد می باشد و حقوق بشر را میتوان در آزادی دفاع تلخیص نمود زیرا هر حقی قابل تعرض بوده و نسبت بتجاوزات آن دفاع از حق را ایجاب خواهد نمود .

استقلال کانون در تعداد هوال و دارائی تمام افراد کشور میباشد و بقول یکی از رؤسای کانون و کلاء فرانسه استقلال کماه بسیط بوده ولی بیک عالم از معانی و اخلاق سمو دارد و کلیه افکار و اندیشه ها و فضائل و تقوای بشری را میتوان در این واژه جستجو نمود و در سایه این اصل فردا از جرگه مردم خارج گردیده و بصورت انسان کامل جلوه گر خواهد شد .

باری در تمام جزو معادله های سیاسی و تمام معاملی که حیات افراد و کشورها مواجه با آن میشود بسان اتفاق میباشد که دادخواهی مظلومی منتظر بدادخواهی ملتی خواهد شد .

حال باید دید با این مزایایی که پس از میادانات و خوار زبهای زیاد برای جامعه بشریت که در راه آزادی و استقلال بعمل آمده و تصویب مدافعین حقوق مردم گردیده است آیا و کلاء در مقابل مردم و قضات و موکلین و همکاران خود و کانون و خزانه دوات چه وظایف اخلاقی باید داشته باشند تا اهداف اصلی مقننین در قسمت استقلال و مصونیت آنان که حفظ منافع جامعه و احترام بقوانین موضوعه و اصول است کاملاً تضمین شده باشد . و کلاً برای انجام وظایف اخلاقی بنوعی مطلوب باید مقررات اخلاقی را منظور داشته و وظایف مزبور بشرح ذیل است :

- ۱- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بخود .
- ۲- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بهمی کل .
- ۳- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بهمکاران خود .
- ۴- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بقضات و دستگماه دادگستری .
- ۵- وظایف اخلاقی نسبت بمردم .
- ۶- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بکانون .
- ۷- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بخزانه دولت .

۱- وظایف اخلاقی و کلاء نسبت بخود

شئون و اعتبارات

وکیل در بادی امر پیش از هر چیز باید پاینده بحیثیات و شئون و اعتبارات باشد زیرا بدون این دو حربه اخلاقی وکیل نمیتواند در انجام مقاصد مشروع و حقوق حقه موکلین خود توفیق حاصل نماید .

اگر وکیل بآنچه را که قوانین موضوعه مملکت حق دانسته و آنچه را که خلاف انتظامات و امنیت عمومی میداند خود بایبند نباشد چگونه بدون داشتن این ابدان راسخ میتواند نسبت به دفاع از تضییع حقوق دیگران و جامعه قیام نماید .

اوصاف وکیل

وکیل باید دارای اخلاقی حمیده و صفات پستدیده باشد و با حسن خلق و خشنوئی با مردم رفتار کرده و با این رویه قلوب همه را بخود جلب نماید و با کمال بیخبری دهائی را قبول کرده و اعتدال و میانه روی را در انجام عمل از دست ندهد با اقوال و مواعید خود پایبند بوده و از طریق صحت و درستی و دقت و وظائف خود را تمقیب نموده که موجب اطمینان خاطر مردم از او بشود .

اطاله دادرسی

شرافت و حیثیت وکیل حکم می کند که دعاری را منظور اطاله دادرسی و تأخیر در انجام تمهد و یا انیل بحق نباشد قبول ننموده و بنا برین و دستاویزهایی متوسل نشود که شایسته مقام وکالت نبوده و منظور از آن تضییع حق و خسته کردن طرف بوده باشد .

حفظ احترام لباس وکالت

لباس وکالت لباس با افتخاری است که باید مردمان با حیثیت و شرافتمند مجلس بآن بوده و طوری رفتار نمایند که تمام افراد کشور مانند حرکت قسری نسبت باین لباس برفتخار و افرادی که مجلس بآن لباس هستند تجلیل و تکریم نمایند .

اعمالی که با وکالت سازگار است

وکلا نباید در مجالس قمار و میخانه و قیون شرکت نمایند زیرا شرکت در این نوع مجالس علاوه بر اینکه متضمن مضرات مادی است قمارات منتهوی هم که عبارت از اختلال و رنجوری و برآشانی حواس است برای وکیل خواهد داشت چه سرمایه وکیل اندیشه و فکر اوست و اگر این سرمایه به باطل و کارهای مضربجم و جان مصرف شود دیگر نبرد و توانائی برای وکیل باقی نیماند تا در مقام دفاع یا تمقیب حقوق موکل شود برآید .

فرع و رباخواری و سفته بازی

وکیل نباید بتزویل و رباخواری و سفته بازی میبادت کند زیرا این نوع اعمال شایسته مردمان پول پرست و خدا ناشناس بوده که تمام افکار آنان در حدود دینار و از استفاده از تیره یعنی دیگران سیرمینه باد و این کاهش روحی و صفات اخلاقی تأثیر سزائی در عدم پیشرفت امور مردم خواهد داشت .

مشاغلی که منافای شئون وکالت است

وکیل نباید بمشافل غیر از شغل وکالت اشتغال داشته باشد زیرا هر نوع شغلی با این حرفه تباین داشته و منافاس حاصله از آن مشافل بیای شغل وکالت محسوب خواهد شد و مردم هم که با وکیل سروکار دارند اینگونه عملیات را از نظر وکیل و وکالت می دانند نه از نظر آن شغل . شرافت در انجام امایشات و آکتوری و مجالس ساز و آواز کلوبهای قمار و غیره و همچنین عملیات دلالی و کار جاق کنی شایسته این مقام مقدس نیست .

تبلیغات

وکیل نباید بامعجز و الحاح و التماس شعما یا بوسیله دلال دنبال تهیه کار برود و یا مردم را بتبلیغ بلکه باید بطوری احوال و گفتار او در مردم تأثیر نماید تا مردم بدینال او روانه هر گونه تبلیغ از قبیل اعلان در جراید و فیلمهای سینما و تابلوهای بر عرض و طول و این نوع نظایرات مخالف شتون و حیثیات این حرفه است.

مرکز عملیات وکیل

وکیل باید باموکلین خود در مواردی که وظیفه دار است در دفتر خود مشاوره و عملیات وکالتی خود را انجام دهد و نباید در کافه ها و رستورانها و کبابخانه ها و یا اماکن فساد وقت به اشخاصی داده و در امور مربوط بآنها در این امکنه شور و اظهار نظر نماید. موکلین خود را مأموم است در دفتر خود بپذیرد و بیبوجه نباید بستم. بنزول موکلین خود برای شور و انجام کار برود این اعمال به احترام و شتون اعتبارات این حرفه لطمه میزند فقط موقمی مجاز است که موکل بستری یا ناقص العلقه باشد و همچنین در مورد دولت و دستگاههایی که متضمن منافع عمومی است مانعی ندارد.

مطالعات وکیل و مجهز شدن او با سلاح روز

و کلاه باید پس از فراغ از امور وکالتی بمطالعه کتب و مجلات علمی و حقوقی بپردازد تا بایروی علم و اطلاع و اسلحه و حربه جدید بشوایند در انجام وظایف محوله قیام و اقدام نماید و این عمل باید در کتابخانه های عمومی کاخ دادگستری و کلاه بایدمصورت گیرد یا در کبابخانه شخصی خود وکل .

فصاحت و بلاغت در حکم شعله ایست که برای بناء و فروز زندگی خود نیازمند بمواد مهینی میباشد مطالعات علمی وکیل در حکم مواد آن شعله میباشد که آنرا از خاموش شدن مانع شده و بر فروز زندگی و تابش آن می افزاید .

محاكمه کار عقل و هوش است و از نیوتون فیلسوف و دانشمند انگلیسی سؤال کردند که قوه ثقل را چگونه ادراك نمودی پاسخ داد در نتیجه فکر متمادی .

وقتی وکیل دادگستری مطالعات و تحقیقات علمی نمود آنوقت قادر است که بایروی علم و دانش حقیقتی را ظاهر و آشکار نموده و چراغ خطر در مقابل پای دادرسان قرار دهد تا در گردال سهومتین نیافند زیرا وکیل که بدون مایه علمی و اسلحه روز بخواهد وارد دفاع شود یا بتعقیب حقی میادرت نماید مطالب روشن را غامض نموده و بالعکس با حربه علمی هر امر پیچیده و متصل را در برابر قضات روشن مینماید .

۲- وظائف اخلاقی و کلاه نسبت به موکل

امانت و درستی

وکیل باید از هر حیث نسبت به موکل نمود امین باشد حقوق و اموال موکل را مانند مال خود دانسته و همان جدیت و مراقبت را که در حفظ مال و حقوق خود دارد نسبت به موکل نیز انجام دهد و حتی نسبت به دیگران هم این وظایف امانت داری را حفظ کند زیرا اگر وکیل به حفظ حقوق دیگران لایابالی و بی اعتناء باشد این عمل تأثیر بسزایی در لکه دار نمودن حیثیات و سوء شهرت او خواهد داشت که بالنتیجه به نفع مدی و ممنوی او زیان وارد خواهد آورد.

معتقدات سیاسی و مذهبی

وکیل نباید دعوی و اموری که مخالف با معتقدات شخصی و سیاسی و مذهبی او باشد قبول کند و در صورت اختلاف نظر با موکل آن دعوی را رد نموده و هیچوجه نباید نسبت به قبول دعوی و اموری که آزادی عمل از لحاظ جهات اخلاقی و منسلکی و مذهبی ندارد مبادرت نماید.

امور ادارات و شرکتها

وکلاء نباید کلیه دعوی یک فرد را در تمام عمر و با یک شرکت و بنگاه براداره را قبول نمایند و اینکار مخالف حیثیت و شئون و کالت میباشد زیرا وکیل موقمی میتواند امری را قبول کند که خود ایمان به پیشرفت آن داشته باشد و اگر وکالت در امور شرکت و اداره را قبول میکند باید در کاری که پیشرفت ندارد صریحاً نظر به مخالف بدهد.

حفظ اسرار

وکلاء باید اسرار موکل را حفظ نموده و این امر را بیشتر از سایر امور اهمیت دهند و اگر بتوانند ادای شهادت در محکمه دعوت شرعیه از نظر حفظ اسرار میتوانند از ادای شهادت خودداری نمایند.

شهادت و کیل

وکلاء ملزمند که در پیشرفت دعوی حق موکلان و با دفاع از حقوق آنان بدون کمترین ترسی امور مربوط به موکل را تعقیب نموده و هیچوجه از آزادی عمل خود دست نکشیده و از اطاعت ضمیر و وجدان خود سرپیچی ننمایند.

ترمیم خسارات

وکلاء باید کلیه خسارات وارده را که در نتیجه مسامحه و غفلت و با اشتباه روی داده جبران نمایند و شهرت خود را در نتیجه این تسامح برای بندگان از دست ندهند.

استتکاف و کسین از قبول کار موکل از نظر تعارض منافع

وکلاء باید مدبرانه و در قبول هر دعوی، منافع شخصی و خصوصی خود را که با منافع موکلانشان متعارض دارد کاملاً اظهار داشته و از هر گونه بستگی و خویشاوندی که با طرف دعوی دارند، موکل تذکر دهند و حتی باو خاطر نشان نمایند که در تحت نفوذ و فشارهایی است که متافی با منافع موکلانشان میباشد.

کفاره گیری و کیل از کارموکل از نظر اعمال خیریه و نیرنگ

هرگاه وکیل در جریان محاکمه مشاهده نماید که موکل او را فریب داده فوراً باید به شخص او این معنی را تذکر دهد تا در مقام تصحیح وجهان آن برآید و در صورت امتناع موکل وکیل میتواند از کار او کفاره گیری نماید.

۳- وظائف اخلاقی و کلاه نسبت به همکاران خود

حس برادری بین وکلاء

وکلاء باید کلیه همکاران خود را محترم شمرده آنان را بنا بر راد خود بدانند و بیچوجه راضی نشوند اعم از مستقیم یا غیر مستقیم به آنان اهانتی وار شود اهانت بیک وکیل اهانت بجامه و کلاه بوده این اهانت جامه و کلاه را در نظر موهون و خفیف خواهد نمود و چون کلیه وکلاء هدف مشترک در اجرای عدالت دارند باید دست به دست هم بگرداند و در اجرای این هدف مشترک که احترام بقوانین موضوعه کشور است کمک کرده تا وحدت ملی را در سایه اجرای قوانین در کشور ایجاد نمایند.

شرکت در مصائب

وکلاء باید توجهی بسواق شخصی و تمایلات سیاسی ایده نولوژی و سایر اوصاف همکاران خود داشته باشند لازم است در تمام احوال با یکدیگر الفت و مهربانی داشته و در کلیه مصائب و مشکلات پیش آمده از قبیل فوت خویشاوندان کسالت غیبت و مواقع اضطراری که مانع انجام وظیفه نسبت به موکل میباشد کمک و مساعدت نموده و در صورت فوت یکی از همکاران خود در تشییع و مجالس سوگواری او شرکت کرده و از گایه امور بکه لازمه شئونات و حیثیات همکار از دست رفته خود میباشد دریغ و مضایقه نمایند.

همکاری و کلاء باید یکدیگر

وکلاء نباید انتهاب وکیل دیگر را از طرف موکل بجز از عدم اعتماد حاصل و تبع نمایند و این قبیل همکاریها باید مورد قبول آنان واقع شود.

وظائف وکیل در موقع تغییر همکار خود

وکلاء نباید دعای و اموری را که قبلاً در دست یکی از همکاران بوده بدون اطلاع و رضایت قبلی او قبول و بامدخاله نمایند مگر این که همکاری قبلاً از آن استعفا داده باشد و در صورت قبول موظفند حق الوکاله همکار خود را نسبت بزمانی که منحل شده است نیز در موکل تأمین نمایند.

مذاکرات با طرف دعوی

وکلاء نباید با طرف دعوی موکل خود بطور مستقیم و غیر مستقیم بدون حضور وکیل او وارد مذاکره و گفتگو واقع شوند و با باگواهانکه در امور کبیری و مدنی گواهی میدهند تماس گرفته و آنان را وادار نمایند که برخلاف حقیقت قلمه نمایند.

۴ - وظایف اخلاقی و کلاه نسبت به ادرسان و مقامات قضائی

کومک بدستگاه قضائی

و کلاه وابسته بدستگاه قضائی بوده و باید نسبت بیسط و اجرای عدالت از هر گونه اقدامی مضایقه و دریغ ننوده و برای حفظ و نگاهداشتن آن دستگاه روی مدار اصلی خود همیشه مجهز بوده و نگذارند تضات دستخوش عوی و هوس توه مجریه و مقننه واقع شوند و لطمه ای باستقلال آنان که ضامن اجرای قانون و عدالتند وارد گردد .

مبارزه با فساد

و کلا باید با تمام قوا و بوسائل و طرق قانونی نسبت بسوء رفتار تضات و کارمندان قضائی مبارزه کرده و بدون بیم و وحشت دلائل خود را ب مقامات صالحه و کانون عرضه نمایند .

جلوگیری از دخول سیاست در دستگاه قضائی

و کلاه باید همیشه برای حفظ دستگاه قضائی و دربر بودن از سیاست از هر گونه مساعدت و جدیت خودداری ننوده و مراقب باشند که احراز مقام قضائی فقط از نظر قابلیت و صلاحیت علمی و اخلاقی تضات صورت گیرنده از لحاظ انتساب بدستجات سیاسی زیرا در هر موقع که سیاست از درب کاخ وارد شود عدالت از بنجره های آن فرار مینماید .

اذا دخلت السياسة من الباب خرج العدل من الشباك

و کلاه باید از روی اعمال قضائی که امور را برون قانون انجام میدهند برده برداشته آنرا با مقامات مربوطه و صلاحیت دار معرفی نمایند .

خودداری از قبول وکالت از نظر اظهار نظر قضائی

و کلاه نباید پس از کناره گیری از امور قضائی و عمومی نسبت به آن دعاوی که در دوره خدمت خود عهده دار بوده اند کاری را قبول نمایند و نیز نباید تامل معینی در حوزه ای که سابقاً قضاوت نموده اند وکالت نمایند .

عدم دخالت وکیل در اموری که در نزد اقارب و بستگان آنان طرح می باشد و کلاه نباید دعای را در دادگاهها و مراجعی که اقارب و بستگان آنان عهده دار آن شغل هستند طرح و تعقیب نماید زیرا نتیجه آن عمل از لحاظ وجود رابطه نزایت و خویشاوندی موجب تصبیح حقوق طرف دعوی گردیده و تضات بصورت کمپانی و دسته بندی صورت خواهد گرفت .

رعایت احترام و ادب نسبت به قضات و اعضاء دستگاه قضائی

و کلاه باید روش و آمیزش نیکو با کارمندان قضائی داشته و همچنین با اطراف دعوی و اشخاصیکه طرف دعوی باموکل آنان هستند اکتفا به ادب و ملائمت انجام وظیفه نموده و بهیچوجه با خشونت و ادای کلمات زنده و زشت با قضات و سایرین رفتار ننوده و عفت کلام را از دست ندهند .

جلوگیری از اعمال خلاف رویه موکل

و کلا باید از هر گونه اعمال غلط و لغو موکل خود جلوگیری نموده و اگر موکل او

و رفتار سوء و ناهنجار نسبت بو کیلی طرف بافضات روادارد فوراً باو تذکر داده و در صورت ادامه بهملیات خود خاتمه دهند و نباید بگذارند موکل بقضات و طرف دعوی و اشخاص ثالث که در کار او دخالت دارند دشنام داده و یا نسبت بآنان بی احترامی نمایند .

۵ - وظایف اخلاقی و کلاه نسبت بمردم نهدات و کیلی

و کلاه باید پاینده نهدات خود باشند و و کیلی که نسبت بنهدات خود بی اهنانه بوده و یا از دیگران وام بگیرد یا نهدات خود را انجام ندهد و در مقابل محکومیت هر ضعیف اصابدهد این فرد باید اجزیر که و کلاه خارج شود .

رشاء و ارتشاء

و کلاه بیچوجه نباید وسیله رشاء و ارتشاء واقع شود زیرا این عمل خود مانع بودگی برای اجراء عدالت است و این بیان سمدی کاملاً مصداق پیدا مینماید (همه کس را ندانان به ترضی کند شود مگر قاضی را بشیرینی) و هر و کیلی که خدای نخواستہ این رویه را پیش گیرد شایسته این مقام نبوده و باید از جرکه و کلاه طرد شود چه رشوه نه فقط در افراد ضعیف و بی مایه تاثیر بسزائی دارد بلکه همانطور که در تورات ذکر شده «را فردا بزرگ و دانشمند نیز تاثیر بسزائی خواهد داشت که همین آن ذیلاً نقل میشود .

رشوه آوری میکند چشم هر حکیمی را و برهم میزند کلام هر صادقی را

و روی این اصل قوم یهود کلیه عملیات و امور خود را در تحت این عنوان انجام میدهند ارتکاب کلیه جرائم در اثر این عملنا بستند صورت میگیرد و اگر با این عمل مبارزه شود صدی نود اصلاحات عمالی میشود زیرا ده درصد اعمال زشت و خلاف قانون قضات روی جوبل است و نود درصد روی رشاء

احسان و خیر خواهی

خیر خواهی و احسان باید یکی از صفات بر جسته و کلاه باشد زیرا این صفت شایسته یک فرد کامل است و این حس قانون عشق و عاطفه است همانطور که عدالت قانون احترام است این عشق طوری باید بسط پیدا کند که از محیط فردی و اجتماعی تجاوز کرده و بهمال بشریت معطوف شود .

فقط بدی نکردن کافی نیست باید حتی المقدور بمردم نیکی و احسان کرد و این عبارت حضرت مسیح را باید اینطور تعبیر کرد آنچه بخود نمی پسندی بدیگران هم پسند و باید گفت آنچه بخود هم پسندی بدیگران هم پسند .

بلکه فرد کامل باید تمام نیروی خود را بعمل نمودن این اصل معطوف داد که از آلام و مصائب دیگران در نتیجه اعمال نیکش بکاهد و این شعر سمدی باید شمار هر فرد و جامعه باشد .

آو کز محنت دیگران بی شمی نشاید که نامت نهند آدمی

احترام بحقوق فردی و اجتماعی

عمل و کلاه نباید برای پیشرفت دعوی و تحصیل سود مبین باشد بلکه از نظر احترام بقانون و حقوق فردی و اجتماعی این عمل باید انجام گیرد و خود کاملاً مستند بآن اصول و مقررات باشد و تحصیل سود باید در درجه دوم و سوم قرار گیرد آنهم با دأش مشروع متعلق بآن عمل که انجام گرفته و وجدان او باینکه از انحراف قوانین و اصول عبت ناراحت و در شکنته بوده و برای آسایش و خوشنودی وجدانش باید این حرفه مقدس را قبل نماید .

معاضدت قضائی

و کلاه از نظر تضابل و کمالات نفسانی و خصائل پسندیده که لازمه این شغل میباشد باید کمک بدستگاه قضائی و اجرای عدالت نموده و دفاع از اشخاص مستمند و بی بضاعت را با کمال خوشروئی و دلسوزی قبول نمایند و اگر قصوری در انجام اینوظیفه نمایند در حکم این است که اهمیت ذاتی شغل خود را زیر پا گذارده و در کاهش ششون و اعتبارات این شغل قیام و اقدام نموده است .

وکالت تسخیری

و کلاه باز نمند که با آغوش باز دفاع متومی را که از طرف دادگاههای جزائی بآنان ارجاع میشود قبول کرده و از هر گونه جدیت و فداکاری که لازمه کار است در رفع اتهام و برائت آنان دریغ و مضایقه ننمایند .

برای يك جامعه غیر قابل تحمل و برخلاف احترام باصل برائت و مالکیت است که افراد کشور در نتیجه فقر و ننگدستی و سائلی در دست نداشته باشند که حقوق الا دست رفته خود را از غاصبین گرفته و بادر مقابل متجاوزین اذحق دفاع نمایند .

و کلاه باید در حکم اطباء حافظ و معالجان مشفق باشند که رشته مزاج آنان را در دست گرفته و نسخه علاج دهند و بقلوب افسرده آنان مرحمی بگذارند زیرا اعمال آنان نه فقط بکمک فردی و رعایت حال مستمندان منتهی میشود بلکه جامعه خود و جهان را از طوفان های سهمگین و مهیبی که از این بی عدالتی ها ایجاد میشود نجات خواهند داد و از این حیث و کلاه آرامش و آسایش جهان را تأمین و تضمین نموده و این شعر خواجہ حافظ شیرازی از نظر عدالت اجتماعی باید شعار این طبقه و سایر افراد کشور قرار گیرد .

ساقی به جام نعل بدنه باده ناسفا غیبت نیاورد که جهان پر بلا کند

اعمال نفوذ و توسل بوسایل غیر مرضیه

و کلاه نباید در هیچ امری اعمال نفوذ نموده و در اعمال تقاب آمیز و خنده و نیرنگ شرکت کرده و طرف شور و ذبح شوند و باندعاوی بوج و بی اساس را عنوان نموده و یا بدون مورد دعاوی را تکذیب و تردید نموده یا اعمال نفوذ و یا شرخری نمایند .

۶- وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بکانون و کلاء

وکلاء باید کلیه آیین نامه ها و مقرراتی که از طرف کانون تصویب و ابلاغ می شود محترم شمرده و باید کانون را مکان مقدس دانسته و شخصیت خود را مستحیل در شخصیت کانون بدانند و از هر گونه مساعدت مادی و معنوی نسبت بکانون مضایقه روا ندارند و همیشه در انحلال نام کانون بکوشند و لاوری نکنند که در نتیجه آرزو و اعمال آنها کانون بصورت ابتدال در آید و همیشه منافع عمومی و کلاء را بر منافع شخصی خود ترجیح دهند و بدانند که هر قدر بیک کانون اقتدار و ارزش بپا کند این ارزش و اقتدار نصیب فرد فرد و کلاء واقع خواهد شد.

۷- وظائف اخلاقی و کلاء نسبت بخزانة دولت

هزینه دادرسی - مالیات - حق تمبر پروانه و کات

وکلاء باید مراقبت نمایند کلیه مخارجی که در جریان دادرسی تعلق میگیرد دیناری حق دولت تضییع نشود چه هر قدر قدرت مالی زیاد تر شود بپوشانند از سه خط و توسعه سازمانهای قضائی بصورت تحقق بخود گرفته و اجراء عدالت در تمام نقاط کشور آسان و عملی خواهند شد به علاوه در حقوقي که برای تجدید پروانه و کات خود در سال میدهند باید این موضوع را مقدم بر سایر مخارج خود دانسته و آنرا از زمره مخارج ضروری محسوب داشته نسبت بدراآمد خود برای پرداخت مالیات راستگو و صدیق باشند زیرا عمل و کلاء باید سرمشق سایر مودیان مالیاتی باشد چه و کلاء بیشتر بهمانی قانون و اهمیت آن پی برده و بیشتر منظور قانون گذار را در امور مالی که منتهی برفاه و آسایش عمومی می شود منظور نظر قرار دهند و لاوری نکنند که دستگاه مالی کشور مانند سایر مؤبدیان مالیاتی با آنان رفتار نمایند زیرا هر عملی که بایک وکیل در یک مورد بشود نتایج آن عاید جامعه و کلاء خواهد شد.

در هر حال وظائف اخلاقی و کلاء جهات مذکور در فوق هستند که باید در نتیجه استقلال کانون و مصونیت و کلاء عملی گردد و اگر خدای نکرده نواقصی در این جامعه مشاهده گردد مولود دخانیات بیخوابی خلاف تودمجه به تاکنون بوده است و اگر بدستار بخ سازد برای کانون و کلاء دادگستری دنیا نظری اندکند شود هر گونه شبهه ای در این باب مرتفع خواهد شد. همکار دانشمندان آقای دکتر محمد شاهکار در تاریخ ۱۳ آذر ۱۳۳۰ در مجمع عمومی وکلای طهران در قسمت تشکیلات و کلاء و چگونگی آن در قدیم با وضعیت فعلی کانونهای بعضی از ممالک اروپا بحث نمودند و امراد بوده که عین آن در مجله شماره ۲۳ درج گردیده است.

باری آموخته ام که معروف و ناهمی از منکرات امروز کسی نخواهد بود که از ارزش اوامر و نواهی و قوانین موضوعه و غرض و مقصدات فرستی و اجتماعی بیشتر با اطلاع باشد و جهات محسنة و هتاجه هر عمل و امری را در نظر بگیرد و بار این آیه شریفه بیشتر بردوش این طبعه می باشد آیه بعقیده

اینجانب باید روزی بصورت سپاه اخلاق و هادی افراد و جوامع بشری در آید
 که مین آبه شریفه ذیلا درج میشود

کنتم خیرامة اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر
 و تؤمنون بالله

امید است که با صابون حکمت و آب معرفت کلیه لکه‌ها و بدنامی‌ها
 را شسته و دست‌بسته و دست‌یکدیگر داده و در سایه اتحاد و اتفاق مدینه
 فاصله‌ای تشکیل داده و با حربه اخلاق و شرافت و تقوی و پرهیزگاری به
 بدبختیها و آلام جامعه خود و عالم بشریت خاتمه دهیم و طوری در حیات
 خود رفتار نماییم که اندیشه و رفتار و کردار ما برای دیگران حجت و
 سرمشق واقع شود و توفیق همگی را در این امر مهم از خداوند مسئلت
 می نمایم .



قوانین

شعبه علم و ادب کانون وکلا

۳۱۰۰۱

شماره ۳۰۲۶۲

۶۶ - لایحه قانونی متمم لایحه قانونی مطبوعات

تاریخ انتشار در روزنامه رسمی ۴ دیماه ۱۳۳۶

ماده اول (بآخر ماده ۲۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۳۱/۹/۳۱ جملة ذیل:
 « درمورد این ماده و ماده ۲۴ لایحه قانونی مطبوعات روزنامه و مجله بطور کلی
 اعم از شماره که در آن مقاله اهانت آمیز و تهمت و افتراء درج شده بشماره‌های بعدی آن بدستور
 دادستان شهرستان توقیف می‌شود و مادام که متهم تحت تعقیب کیفری است انتشار نخواهد یافت.
 در صورتی که متهم برائت حاصل نمود متضرر میتواند دادگاه مدنی عرضحال خسارت
 ناشی از توقیف تقدیم نماید و دادگاه مزبور در این مورد مکلف است خارج از نوبت رسیدگی
 و رای مقنضی صادر کند این رای قطعی است و مداول تبصره ذیل ماده ۳ لایحه قانونی مطبوعات
 در این مورد نیز لازم الاجراست »